

حادثه در شهر

سارقی که حین سرقت مشغول دوش گرفتن شد

سارق استثنایی

صدیقی- یک سارق شیشه ای متوهم پس از ورود به خانه ای و بعد از سرقت برخی وسایل در یک اقدام نادر به جای قرار تصمیم گرفت دوش بگیرد و با سر رسیدن صاحب خانه داستان عجیبی رخ داد. به گزارش خبرنگار ما سارق که بعد از مصرف شیشه توهم زده بود برای سرقت وارد خانه ای در شرق بجنورد شد که حین دوش گرفتن با سر رسیدن صاحب خانه پا به فرار گذاشت. صاحب خانه در این باره گفت: یک شب که خانواده ام به منزل پدر همسرم رفته بودند من برای برداشتن وسایلم به خانه آمدم. وقتی وارد حیاط شدم با یک جفت کفش غریبه جلوی در خانه روبه روو به ماجرا مشکوک شدم.

با برداشتن یک چماق آهسته و با احتیاط وارد خانه شدم و به جست و جوی صاحب کفش ها پرداختم که با تعدادی وسایل بسته بندی شده در گوشه ای از اتاق مواجه شدم. صدای شر شر آب را از حمام شنیدم و زمانی که در حمام را باز کردم با یک مرد غریبه که در حال دوش گرفتن بود روبه رو شدم.

سارق با دیدن من شوکه شد و من را به کناری هل داد و پا به فرار گذاشت. من با چماق به تعقیب سارق پرداختم او زمانی که دید راه فرار ندارد خودش را به پشت بام رساند تا مخفی شود. با کمک همسایه ها سارق را پایین آوردیم و بعد از کمی گوشمالی دادن او را با یک پتو پوشاندم.

سارق لب به اعتراف گشود و گفت: بعد از مصرف شیشه توهم زده بودم برای همین پس از جمع کردن مقداری وسایل به جای فرار هوس دوش گرفتن کردم.

با التماس و درخواست سارق و همچنین شناختن او و ضمانت یکی از همسایه ها او را بعد از پوشیدن لباس هایش رها کردیم و این ماجرای عجیب مانند یک خاطره در ذهنم ثبت شد.

تنگبر

پیشگیری از خفگی با گاز مونوکسید کربن

- حمام، کابین وسایل نقلیه و مکان‌های سرپوشیده و بدون تهویه مناسب شایع‌ترین اماکن گاز گرفتگی هستند.
- با عبور دادن یک رشته طناب معمولی و یک وزنه از پشت بام تا مبدأ دودکش در داخل اتاق مورد نظر از باز بودن مسیر مطمئن شوید. افتادن نخاله‌های ساختمانی هنگام ساخت و ساز، لانه گزینی پرندگان، انداختن اشیای مختلف توسط کودکان و ایجاد دوده به دلیل ناقص سوختن وسیله گرمایشی از مهم‌ترین دلایل مسدود شدن مسیر دودکش است.
- ضروری است شهروندان نسبت به بازبینی مجدد مسیر دودکش‌ها هنگام نصب وسایل گرمایشی اقدام کنند، در غیر این صورت عمل معکوس صورت می گیرد و دود به داخل اتاق نفوذ می کند و جایگزین اکسیژن می شود، در نتیجه به دلیل کمبود اکسیژن وسیله گرمایشی شروع به ناقص سوختن می کند و در این هنگام با انتشار گاز مونوکسیدکربن افراد حاضر در محل دچار گاز گرفتگی می شوند.

آتش نشانی بجنورد

ماجرای خانمی که یک تقاضا از پدر و مادرش دارد

زندگی ام به تار مویی پند است



محمودیان

باورم نمی شد که به راحتی خام مردی شدم که از عشق و زندگی بویی نبرده بود و با زبان بازی هایش مرا فریب داد و باعث شد رابطه من و همسرم به هم بریزد.

این ها صحبت های زنی است که فریب حرف های عاشقانه مردی را خورد و از همسرش طلاق گرفت و با مرد دیگری ازدواج کرد. او که خود فرزند طلاق است و چندان روی خوش را در زندگی اش ندیده است هم اکنون برای دومین بار در مرحله طلاق و فروپاشی زندگی اش است. او ماجرای تلخ زندگی اش را این گونه برای ما تعریف می کند:

تاجایی که یادم می آید روی خوش زندگی را ندیدم. چیزی که در ذهن ام باقی مانده دعوا و درگیری های پدر و مادرم، نگرانی های مادرم و گریه های گاه و بیگاهش، فریاد کشیدن پدرم، کتک خوردن مادرم و ترس ها و اضطراب هایم است.

بالاخره این دعاوها با طلاق و جدایی به پایان رسید. یادم می آید مادرم می گفت بالاخره خلاصی شدم و نفس خواهم کشید و پدرم از این جدایی احساس رضایت داشت در نهایت من ماندم و من. گویا کسی به فکر آینده من نبود، کسی آرامش من برایش اهمیت نداشت و چقدر خودخواهانه بر این زندگی خط بطلان کشیدند و زنجیری را که من در وسطش بودم پاره کردند. من در این سال ها دست به دست در خانه پدر و مادرم چرخیدم.

پدر و مادرم که هر کدام زندگی جدیدی را تشکیل دادند این بار من علت جنگ و جدل شان بودم و احساس سربار بودن می کردم تا این که در سن نوجوانی برایم خواستگار آمد و من برای رهایی از وی زندگی ازدواج کردم. اوایل اوضاع خوب بود ولی کم کم احساس کردم چندان علاقه ای به همسرم ندارم و تنها به خاطر فرار کردن از خانواده ام ازدواج کردم. همسرم آدم بدی نبود ولی من

همسرم آدم بدی نبود ولی من لجباز و یک دنده شده بودم. با کوچک ترین بی توجهی قهر می کردم و بهانه می گرفتم

لجباز و یک دنده شده بودم. با کوچک ترین بی توجهی قهر می کردم و بهانه می گرفتم. در این گیر و دار قهر و دعوا با کسی آشنا شدم که فکر می کردم مرد رویاهایم است.

البته اوایل تنها با او درد دل می کردم ولی بعد رابطه مان بیشتر شد و او را می دیدم. در این بین رابطه عاطفی من و همسرم سرد شد. خیلی بهانه می گرفتم و کم کم به جایی رسید که همسرم از من دلسرد شد و در آخر طلاق گرفتم. شخصی که با او در ارتباط بودم می گفت عاشقانه دوستم دارد. روز جدایی من از همسر اولم روز وصال با عشق ام بود. بعد از طلاق به سرعت ازدواج کردم و یقین داشتم زندگی رویایی در انتظارم است اما

خیلی زود بهانه گیری های همسر دومم شروع شد. او مرا در خانه حبس می کرد. با آن که هیچ وسیله ارتباطی نداشتم باز هم به من بدبین بود. کتک ام می زد و آزارم می داد.

بعد از مدتی متوجه شدم که او نه تنها اعتیاد دارد بلکه با شخص دیگری در ارتباط است. وقتی متوجه این موضوع شدم دنیا برایم تیره و تار شد، احساس خراب کردم و خام مردی شدم که از عشق و زندگی بویی نبرده بود و من تنها اسیر هوس او شده بودم.

کاش پدر و مادرم که ازدواج درستی نداشتند برای ازدواج من بیشتر فکر می کردند. کاش مرا از تجربیات شان قبل از ازدواجم آگاه می کردند. کاش می شد زمان به عقب بر می گشت و زندگی اولم را با صبر و عشق نگه می داشتم.

عبرت

زنی که در میان دود اعتیاد متولد شد

متولد مر داب



صدیقی- اعتیاد او را سرد و بی روح کرده است. به جای پاسخ دادن، مدام سرش را به نشانه تایید یا رد تکان می دهد. رنگ رخسارش از سر درونش خبر می دهد. صورتی استخوانی با دندان های کدر دارد. انگار اشک در چشمانش خشک شده و گاهی فقط به نقطه ای خیره می شود و دوباره بی رمق لب به سخن می گشاید. زن لاغر اندام که به گفته خودش دود، از وی یک تکه استخوان به جا گذاشته است، می گوید: معتاد به دنیا آمدم، دود همه چیزم را از من گرفت. نه فرزندی دارم که به او دل ببندم و نه خانواده ای که به آن ها تکیه کنم.

مادرم من را به چند متقال مواد فروخت و به عقد مردی درآمد که سنش به اندازه پدرم بود. نه اخلاق داشت و نه از مهر و محبت خبری بود؛ مهرش لگد بود و محبت اش تازیانه. البته من تنها قربانی اعتیاد خانواده ام نبودم، خواهر و برادرانم هم قربانی مواد شدند. در لجنزار اعتیاد دست و پا می زدیم و مادرمان به جای دستگیری برایش سرمان را زیر دود می کرد. برایش مهم نبود چه سرنوشتی پیدا می کنیم زیرا فقط نشئه و مواد در زندگی اش اهمیت داشت. زن جوان ناله می کند اما اشکی از چشمانش جاری نمی شود، انگار چشمانش مدت هاست که مثل کویر خشک بارانی ندیده است. او ادامه می دهد: از دوران مجردی ام خیری ندیدم چون مجبور بودم برای چند دود خانه های مردم را آب و جارو کنم و چندغازی که گیرم می آمد صرف تن تحیف و بی رمق و خمار می کردم. پدرم اختیاری نداشت، مادرم همه کاره خانه بود. وقتی مادرم من را به عقد شوهرم در آورد انگار همان جا تیر خلاص را خوردم. شوهرم پیر و فرتوت بود. از زن اولش سه فرزند پسر شده و طبق گزارش مورخه ۱۶/۰۶/۹۷ مأمور مربوطه ابلاغ واقعی به شما میسر نگردیده است. لذا بنا به تقاضای بستانکار به شرح وارده به شماره ۹۶۵۹-۹۷/۰۷/۱۰ طبق ماده ۱۸ آئین نامه اجرا مفاد اجرائیه فقط یک مرتبه در یکی از روزنامه های کثیرالانتشار محلی آگهی می شود و چنانچه ظرف مدت ده روز از تاریخ این آگهی که روز ابلاغ محسوب می گردد، نسبت به پرداخت بدهی خود اقدام ننمایید، عملیات اجرائی جریان خواهد یافت و به جز آگهی مزایده آگهی دیگری منتشر نخواهد شد.

حمید عزیزی- رئیس اداره اجرای اسناد رسمی بجنورد

۹۷/۱۱/۲۴۰

۳۲۹/م الف

آگهی ابلاغ اجرائیه مهریه به ورثه

بدین وسیله به ورثه مرحوم دانیال گودرزی (عزت الله گودرزی به شماره شناسنامه ۹- فرزند اسدالله) و (زبور آقائی به شماره شناسنامه ۱۱ فرزند محمد)- (ابوالفضل گودرزی به شماره ملی ۵۲۴۰۴۸۰۳۶۲ فرزند دانیال) ساکنین جاجر- روستای دشت ابلاغ می شود که خانم طاهره کارگری جهت وصول مبلغ پانصد و نود و پنج میلیون و پانصد و چهل و نه هزار و هفتصد و سی و هشت ریال مهریه خود به نرخ روز، مندرج در سند ازدواج شماره ۱۷۹۱۰-۱۱/۰۸/۱۳۶۷ دفتر ازدواج شماره هشت شهر بجنورد- خراسان شمالی علیه مورث شما اجرائیه صادر نموده و پرونده اجرائی به کلاس ۱۲۱۴/۱۰۰۷۱۴۱۰۴۰۷۱۳۹۷ در این اداره تشکیل شده و طبق گزارش مورخ ۳۱/۰۶/۱۳۹۷ مأمور مربوطه، ابلاغ واقعی به شما میسر نگردیده است. لذا بنا به تقاضای بستانکار به شرح وارده به شماره ۱۱۹۶/۱۵۲۰۰۷۱۵۲۰۰۵۰۷۱۳۹۷/۰۶/۲۱-۱۳۹۷ طبق ماده ۱۸ و ۱۹ آئین نامه اجرا مفاد اجرائیه فقط یک مرتبه در یکی از روزنامه های کثیرالانتشار محلی آگهی می شود و چنانچه ظرف مدت ده روز از تاریخ این آگهی که روز ابلاغ محسوب می گردد، نسبت به پرداخت بدهی مورث خود اقدام ننمایید، عملیات اجرائی جریان خواهد یافت و به جز آگهی مزایده آگهی دیگری منتشر نخواهد شد.

بشیرخانی- رئیس ثبت اسناد و املاک مانه و سملقان

۹۷/۱۱/۲۴۲

آگهی ابلاغ اجرائیه قرارداد بانکی

بدین وسیله به آقای صاحب نورهانی نام پدر: قنبر علی تاریخ تولد: ۱۳۶۲/۰۳/۰۷ شماره ملی: ۵۲۴۹۷۷۸۱۶۱ شماره شناسنامه: ۲۸ به نشانی: آشخانه، خ دولت جنب فرمانداری (متن سند) و یا آشخانه، بانک صادرات (اظهاری)- ابلاغ می شود که بانک انصار شعبه چهارراه ۱۷ شهریور به استناد قرارداد بانکی شماره ۹۵/۱۱/۰۴-۱۲۵۷۷ جهت وصول مبلغ ۹۷/۳۴۳/۸۱۱ ریال تا تاریخ ۹۷/۰۴/۱۷ به انضمام خسارت تأخیر متعلقه و از تاریخ مذکور تا روز تسویه کامل بدهی طبق مقررات علیه مینا ارزازاده و به ضمانت شما اجرائیه صادر نموده و پرونده اجرائی به کلاس به بایگانی ۹۷۰۰۵۶۱ تشکیل شده و طبق گزارش مورخه ۱۷/۰۶/۹۷ مأمور مربوطه ابلاغ به شما میسر نگردیده است. لذا بنا به تقاضای بستانکار به شرح وارده به شماره ۹۶۵۹-۹۷/۰۷/۱۰ طبق ماده ۱۸ آئین نامه اجرا مفاد اجرائیه فقط یک مرتبه در یکی از روزنامه های کثیرالانتشار محلی آگهی می شود و چنانچه ظرف مدت ده روز از تاریخ این آگهی که روز ابلاغ محسوب می گردد، نسبت به پرداخت بدهی خود اقدام ننمایید، عملیات اجرائی جریان خواهد یافت و به جز آگهی مزایده آگهی دیگری منتشر نخواهد شد.

حمید عزیزی- رئیس اداره اجرای اسناد رسمی بجنورد

۹۷/۱۱/۲۲۲

۳۲۸/م الف

تبلیغات اقناع کننده

ظریف، رابطه مدار و مخاطب گرا،

مؤثرتر از تبلیغات وادار کننده،

خشن و خودگرا و خودپرترپین است